

مطالعات اسلامی: علوم قرآن و حدیث، سال چهارم، شماره پیاپی ۸۱/۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۷، ص ۱۶۳-۱۳۵

بررسی روش عمومی شیخ طوسی در کتاب «الفهرست»*

رحیمه شمشیری

دانش آموخته کارشناس ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد

Email:Shamshiri.rahime@gmail.com

دکتر مهدی جلالی

استادیار دانشگاه فردوسی مشهد

Email: MJalali13@yahoo.com

چکیده

یکی از اصول چهارگانه رجالی شیعه *الفهرست* اثر ابو جعفر محمد بن حسن بن علی بن حسن طوسی معروف به شیخ الطایفه است. این کتاب چنان که از نام آن پیداست نوشته شد تا بیانگر اسامی آثار و تألیفات شیعه باشد؛ اما از آن جا که در جنب اطلاعات کتاب شناسی، فواید رجالی گوناگونی در آن دیده می شود، از سوی دانشمندان مسلمان به عنوان یکی از چهار کتاب اصلی رجال شناخته گردیده است.

اما در این مقاله به کتاب «*الفهرست*» شیخ صرفاً به عنوان فهرست اصول و مصنفات نگریسته و سعی کرده ایم روش شیخ طوسی را در بیان اطلاعات عمومی پیرامون نویسندگان ومولفات آنان وچگونگی ارائه آن به دست آوریم.

کلید واژه ها: شیخ طوسی، فهرست نگاری، *الفهرست*، مؤلفات شیعه.

* . تاریخ وصول: ۱۳۸۵/۸/۱۰؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۸۶/۳/۲۸.

مقدمه

دانش فهرست، علمی است که از خصوصیات و مشخصات کتاب‌ها و نویسندگان آن بحث می‌کند (واعظ زاده خراسانی، ش ۵، ص ۱۸). در گذشته معمولاً برای متون و نوشته‌های عموم‌الذهبی، فهرست‌هایی به صورت سیاهه تهیه می‌شد. البته شیوه کار در گذشته با شیوه فهرست‌نویسی امروزی کاملاً متفاوت بوده است. به هر صورت در گذشته، نوشتن مشخصات کتابشناختی کتاب‌ها و رساله‌ها را که به منظور خاصی انجام می‌گرفت، «فهرست‌نگاری» یا «فهرست برداری» می‌نامیدند (فتاحی، ص ۲۰).

در وجه نیاز به فهرست‌نویسی اصول و مصنفات گفته شده است که محدثان قرن دوم و سوم پی بردند که دروغ‌گویان همان‌طور که حدیث جعل می‌کنند، کتاب هم می‌نویسند و به دروغ به بزرگان نسبت می‌دهند و گاهی یک فصل یا باب یا زاید بر آن بر یک کتاب معتبر می‌افزایند یا چیزی از آن کم می‌کنند و این کار در آن روزگار که چاپ وجود نداشت و نسخه‌های کتاب، معدود و بلکه غالباً منحصر به فرد و در انحصار یک شخص بود، بسیار آسان بود. به علاوه زیاد اتفاق می‌افتاد که چند نفر برای کتاب خود یک اسم انتخاب می‌کردند و این امر باعث می‌شد که کتاب‌های آنان با هم اشتباه شود یا دو نفر در اسم و کنیه مشترک بودند و معلوم نبود کتاب منسوب به این اسم اثر کدام یک از آنها است و چه بسا یکی از آن دو نفر مورد اطمینان بود و دیگری مورد سوءظن. ملاحظه این نوع محذورات سبب شد که دانشمندان، علاوه بر آثار خود، کتاب‌های دیگران را هم فهرست کنند (واعظ زاده خراسانی، ش ۵، ص ۱۹).

در میان اسامی کتاب‌های برخی علمای شیعه در قرن سوم و چهارم، نام **الفهرست** نیز دیده می‌شود. از جمله مهمترین و قدیمی ترین فهرست‌های برجای مانده شیعه امامیه، **الفهرست** محمد بن حسن بن علی بن حسن طوسی است که به دلیل در برداشتن فواید رجالی، از سوی علمای شیعه به عنوان یکی از کتاب‌های اصلی و اساسی رجالی شیعه شناخته شده است.

در این نوشتار به **الفهرست** شیخ، صرفاً به عنوان فهرست اصول و مصنفات نگریسته و سعی کرده‌ایم روش شیخ طوسی را در بیان اطلاعات عمومی پیرامون نویسندگان و مؤلفات آنان و چگونگی ارائه آن به دست آوریم. اطلاعات مربوط به رجال و جرح و تعدیل مؤلفان و اشخاص را در مقاله دیگری عرضه داشته ایم.

۱- مهمترین منابع شیخ طوسی در معرفی آثار نویسندگان

شیخ طوسی با توجه به دسترسی به کتابخانه های بزرگ اسلامی زمان خود، منابع متنوع زیادی می‌توانسته در اختیار داشته باشد. با توجه به ارجاعات شیخ، برخی از منابع وی در فهرست کردن آثار نویسندگان بدین قرار است:

ا- **فهرست** محمد بن اسحاق ندیم. ظاهراً بیشترین استفاده شیخ درباره مؤلفات از فهرست ابن ندیم است. موارد نقل شیخ از این اثر به بیست و دو مورد می‌رسد (ش ۳۶، ۱۶۲، ۱۶۴، ۳۸۰، ۴۲۴، ۴۴۵، ۵۲۰، ۵۶۴، ۶۰۵، ۸۷۲، ۸۷۳).

ب- **فهرست** محمد بن جعفر بن بطه مؤدب (ش ۶۵، ۴۴۰، ۶۱۸).

ج- **فهرست** یا (رجال) ابن عقده (ش ۱۱۷).

د- **فهرست** ابن ولید (ش ۱۶۴).

ه- **فهرست** احمد بن ابو عبدالله برقی (ش ۳۷۹).

و- **فهرست** احمد بن عبدون (ش ۷).

۲- روش عمومی

۱-۲. مآخذها و مستندها

۱-۱-۲. ذکر مآخذ و مستندات

شیخ مطالب مندرج در **الفهرست** را ۱- چه مطالب مربوط به کتاب شناسی آثار مؤلف و چه جرح و تعدیل رجالی وی - گاه به مرجع معلوم و مشخص و گاه به منبعی

نامعین و مبهم ارجاع می دهد.

نمونه هایی از مواردی که مرجع سخن او مشخص شده است:

- در بیان وجه تضعیف ابراهیم بن محمد بن ابی یحیی نزد اهل سنت، به نقلی از کتاب **تاریخ یعقوب بن سفیان** (فسوی) می پردازد (ش ۱، ص ۷).
- ذیل نام لوط بن یحیی ازدی به نقل از کشتی بیان می کند که او از یاران امامان علی، حسن و حسین (ع) است (ش ۵۸۶، ص ۳۸۱).
- درباره محمد بن ابراهیم بن یوسف به نقل از احمد بن عبدون اطلاعاتی را درباره ولادت، مذهب و کتاب های او عرضه می دارد (ش ۶۰۱، ص ۳۹۱).
- معلی بن اسد بنا بر نقل حسین بن عبیدالله غضائری از اصحاب صاحب زنج^۱ و خاصان وی بوده است (ش ۹۰، ص ۷۱).
- در تعقیب این روش شیخ گاه مطالبی را درباره تعداد، عناوین و اعتبار کتاب های مؤلفان به اشخاصی چون: ابوالفرج محمد بن اسحاق ابویعقوب ندیم (ش ۱۳۶، ۱۰۱)، احمد بن ابو عبدالله برقی (ش ۳۷۹، ۲۶۵)، ابن بطه مؤدب (ش ۶۱۸، ۴۰۴)، محمد بن حسن بن ولید (ش ۱۶۴، ۱۲۳) و محمد بن علی بن حسین (شیخ صدوق) (ش ۶۲۱، ۴۰۷) نسبت می دهد.
- همان طور که گفته شد شیخ گاه مرجع کلام خود درباره مؤلفان و آثارشان را مشخص نکرده است. از جمله تمام مواردی که او از تعبیر «ذکر اصحابنا» استفاده کرده است:
- از بین رفتن کتابهای ابراهیم بن صالح انماطی به نقل از اصحاب ذکر شده است (ش ۲، ص ۹).
- ابراهیم بن هاشم قمی بنا بر نقل اصحاب، اولین کسی است که حدیث کوفی ها

۱. علی بن محمد بن احمد بن عیسی بن زید بن علی بن حسین معروف به صاحب زنج، به سال ۲۵۵ هجری در بصره خروج و ادعای امامت، معجزه و حتی نزول وحی کرد. وی در سال ۲۷۰ هجری به قتل رسید (ر.ک: معارف و معاریف، ج ۶، ص ۶۲۷).

را در قم رواج داد(ش ۶، ص ۱۱).

- شیخ به نقل از یک منبع مجهول اهل سنت (بعض ثقات العامة) می گوید: واقدی تمام کتاب‌های ابراهیم بن محمد بن ابی یحیی را نقل و به نام خود ثبت کرده است(ش ۱، ص ۸).

۲-۱-۲- عدم ذکر ماخذها و مستندها

در پاره ای موارد که شیخ مستند مطالب خویش را بیان نمی کند، ناقل اصلی آن‌ها در سایر آثار رجالی آن زمان مشخص شده است:

- مطلبی را که شیخ درباره نابودی کتاب‌های ابراهیم بن صالح انماطی بیان کرده است، را نجاشی نیز عیناً نقل و به ابوالعباس، احمد بن علی بن نوح نسبت داده است(ص ۱۵).

- در جرح احمد بن محمد بن سیار اصطلاحاتی چند را بدون ذکر مأخذ آورده که نجاشی بعد از بیان همان اصطلاحات، آن‌ها را به کلام حسین بن عبیدالله غضایری مستند کرده است(ش ۷۰، ص ۵۷).

- مطالب شیخ ذیل نام علی بن اسماعیل بن میثم تمار، عیناً در الفهرست ابن ندیم آمده است(ابن ندیم، ص ۲۲۳) ولی شیخ هیچ اشاره ای به استفاده احتمالی خود از این مأخذ نکرده است.

۲-۲- ارایه اطلاعات پیرامون نویسندگان و آثارشان

۲-۲-۱- بیان نام و مشخصات نویسندگان

شیخ گاه بعد از ذکر نام نویسنده، سایر اطلاعات او از جمله نسب، کنیه، لقب، نام مشهور، سال تولد و وفات وی و... را نیز متذکر می گردد: ذکر نسب (ش ۸۶، ۸۲، ۷۸، ۷۵، ۷۲، ۶۵ و...)، ذکر کنیه (ش ۶۷، ۶۳، ۱۰۰، ۱، ۶۰۱، ۲۹۸ و...)، ذکر لقب (ش ۸۵۵، ۵۱۳، ۳۳۶، ۷۷، ۶۷ و...)، ذکر اسامی مشهور و معروف (ش ۵۰۶، ۲۰۳، ۷۹، ۶۳، ۵۳ و...) و ذکر موالید و وفیات (ش ۱۹۳، ۱۰۷، ۸۶، ۷۲، ۶۱ و...).

در یک نگاه کلی می توان گفت یادکرد تمام این عناوین به صورت یک جا و درباره یک شخص، خیلی کم اتفاق افتاده است. همچنین ذیل بسیاری از عناوین فهرست شده از اطلاعات مذکور، نشانی به چشم نمی خورد. به عبارت دیگر، شیخ خود را ملزم به ذکر این گونه اطلاعات در همه موارد نمی دانسته است.

۲-۲-۲. ارایه اطلاعات اندک و ناکافی درباره مؤلفان و آثارشان

منظور از اطلاعات اشخاص و آثارشان، اطلاعاتی از قبیل وضعیت شخص از نظر موقت و ناموقت بودن، ارزیابی اعتبار آثار^۱ و شمار تألیفات منسوب به او. نیز اطلاعات جنبی نظیر: نسب، طبقه، تخصص، زادگاه و سایر موارد است که در مجموع در فهرست شیخ، کمتر به این امور پرداخته شده است. شیخ در موارد زیادی تمام آثار یک مؤلف را ذکر نمی کند:

- از آثار محمد بن احمد بن یحیی، فقط *نوادرا الحکمة* و ابواب آن را یاد کرده است (ش ۳۴۷، ص ۲۳۱). در حالی که نامبرده کتاب های دیگری دارد که نجاشی آنها را ذکر کرده است (ص ۳۴۸).

- حسین بن عبیدالله بن سهل بنابر *الفهرست* طوسی کتاب *المتعه* دارد (ش ۲۱۸، ص ۱۴۵)؛ اما نجاشی هفت کتاب برای او می شمارد و ابواب یکی از کتاب های او را به شکل مبسوط بیان می کند (ص ۴۲).

- ذیل نام احمد بن محمد بن عمر سه اثر ذکر شده است (ش ۹۸، ص ۷۷). در حالی که نجاشی علاوه بر آن، پنج اثر دیگر او را ذکر کرده است (ص ۸۵).

۲-۲-۳. معرفی آثار مشترک مؤلفان

بعضی آثار مذکور در *الفهرست* کار مشترک دو نویسنده است. شیخ گاه به این امر اشاره می کند، از جمله:

۱. برای توضیح بیشتر در این باره، ر.ک: مقاله «بررسی و ارزیابی روش شیخ طوسی در نقد رجال و آثار»، رحیمه شمشیری، مهدی جلالی، *مجله مطالعات اسلامی*، تابستان ۱۳۸۷، شماره ۸۰.

- کتاب ابراهیم بن محمد اشعری با همکاری برادرش فضل بن محمد نوشته

شده است (ش ۱۴، ص ۱۹، ش ۵۶۷، ص ۳۶۴).

- علی و محمد فرزندان ریان بن صلت کتابی را با هم نوشته اند (ش ۳۸۶ و ۳۸۷،

ص ۲۶۹).

گاهی نیز به این امر بی توجهی نشان می دهد:

- ذیل نام مشمعل بن سعد ناشری کتابی به او نسبت داده است (ش ۴۷۸، ۸۷۱).

در حالی که این کتاب با عنوان *دیات*، اثر مشترک مشمعل و برادرش حکم است

(نجاشی، ص ۴۲۰، ۱۳۶).

- شیخ مشارکت حسن بن سعید در تألیف کتاب‌های سی گانه مشهور به نام

حسین بن سعید اهوازی را یادآور نمی شود. ذیل شرح حال حسن بن سعید تنها

می گوید حسن تمام تصنیفات برادرش حسین را روایت کرده است (ش ۱۹۷، ص ۱۳۶) و

ذیل شرح حال حسین بن سعید از حسن یادی نمی کند (ش ۲۳۰، ص ۱۴۹) این در حالی

است که نجاشی بدین امر تصریح می کند و می گوید کتب سی گانه فقهی با مشارکت

حسن و حسین فرزندان سعید تألیف شده است؛ اما بیشتر به نام حسین بن سعید

مشهور است (ص ۵۸).

۴-۲-۲. معرفی محتوا و کیفیت آثار و نوشته ها در گذشته و حال

شیخ طوسی به نقل از برخی از معتمدان اهل سنت (بعض ثقات العامة) می گوید

محمد بن عمر واقدی تمام کتاب‌های ابراهیم بن محمد بن ابی یحیی را نقل و به نام

خود ثبت کرده است (ش ۱، ص ۷).

- تمام کتاب‌های ابراهیم بن صالح انماطی به جز کتاب *الغبیة* از بین رفته است

(ش ۲، ص ۹).

- ابان بن تغلب بن رباح، کتابی به نام *غریب القرآن* دارد که شخصی به نام

عبدالرحمن بن محمد ازدی آن را با دو کتاب دیگر از دو نویسنده دیگر به نام‌های

محمد بن سائب کلبی و ابی روق عطیة بن حارث یک جا گردآورده و موارد اختلاف و اتفاق آن‌ها را یادآور شده است (ش ۶۱، ص ۴۴).

- ابان بن عثمان احمر کتابی دارد که در آن مباحثی چون: «مبتدا» (آغاز خلقت)، «مبعث»، «مغازی»، «وفات»، «سقیفه» و «رده» وجود دارد. مجموعه این مباحث در یک کتاب وجود دارد. بعد از بیان این مطلب و یادکرد طریق خود به این کتاب می نویسد این، روایت کوفی‌ها، ابن فضال و بعضی قمی‌ها است؛ اما نسخه دیگری نیز وجود دارد که از آن ناقصتر است و برخی دیگر از قمی‌ها آن را روایت کرده اند (ش ۶۲، ص ۴۷).

- کتاب مشیخه احمد بن حسین بن عبدالملک ابتدا نامنظم و پراکنده بود؛ اما بعداً مؤلف آن را در ابوابی سامان داد و به ترتیب اسامی راویان منظم کرد (ش ۷۱، ص ۵۸).

- کتاب *نوادیر احمد بن محمد بن عیسی* در اصل غیر مبوب بود و شخصی به نام داوود بن کوره آن را مبوب کرد (ش ۷۵، ص ۶۰).

- در کتاب *مجلس احمد بن عبیدالله بن یحیی*، مطالبی درباره امام حسن عسکری (ع) آمده است (ش ۱۰۲، ص ۸۱).

- عمر بن اذینه کتابی دارد که دو نسخه از آن در اندازه های کوچک و بزرگ وجود دارد (ش ۵۰۴، ص ۳۲۴).

- از آن جا که محمد بن احمد بن عبدالله نابینا بود، کتاب‌هایش را از حافظه بر شاگردان خود املاء کرده است (ش ۶۰۰، ص ۳۹۰).

- از جمله کتاب‌های محمد بن عباس بن علی معروف به ابن حجام، کتابی به نام *الدواجن* است که بر شیوه مذهب اهل سنت نوشته شده است. در حالی که مؤلف از شخصیت‌های موثق شیعه بوده است (ش ۶۵۳، ص ۴۲۳).

- علاء بن رزین قلاء کتابی دارد که از آن چهار نسخه، هر یک به روایت شخصی موجود است (ش ۵۰۰، ص ۳۲۲).

۲-۲-۲. تصحیح غلط‌های شایع درباره نویسنده‌گان و کتاب‌هایشان

- شیخ ذیل نام ابراهیم بن محمد مداری می‌گوید این شخص کتابی با عنوان **مناسک الحج** دارد که برخی آن را به جهت انس و عمل ابو محمد دعلجی بدان، به او نسبت داده‌اند (ش ۱۱، ص ۱۷).
- احمد بن اصفهذ کتابی درباره **تفسیر رؤیا** دارد که مردم آن را به اشتباه به ابوجعفر کلینی نسبت داده‌اند (ش ۹۲، ص ۷۳).

۳- شناسایی‌ها

۳-۱. توجه به اسامی مشترک

- مشترکات، عبارت از اسم‌ها، کنیه‌ها و القاب مشترک میان دو یا چند تن است. تشخیص این نام‌های مشترک زمانی اهمیت مضاعف می‌یابد که برخی از آن افراد ثقه و برخی دیگر غیرثقه باشند.
- شیخ در **الفهرست** گاه به این مهم پرداخته است:
 - ذیل شرح حال فضل بن شاذان نیشابوری، از فضل بن شاذان رازی که عامی مذهب است یاد می‌کند و تفاوت این دو نفر با یکدیگر را تذکر می‌دهد (ش ۵۶۴، ص ۳۶۱).
 - بعد از یادکرد نام ابوجعفر محمد بن جریر بن رستم طبری بلافاصله به امامی بودن او اشاره می‌کند و می‌گوید این شخص با ابوجعفر محمد بن جریر طبری عامی مذهب و صاحب کتاب **تاریخ** فرق می‌کند (ش ۷۱۲، ص ۴۴۶). شیخ این مطلب را در **رجال** خود نیز متذکر می‌گردد (ص ۴۴۹).
 - ذیل نام احمد بن حسن بن حسین لؤلؤی می‌گوید احمد مذکور، فرزند حسن بن حسین لؤلؤی کوفی معروف نیست^۱ (ش ۶۹، ص ۵۶).

۱. آیت الله خوبی ذیل این نام می‌نویسد: «گروهی با توجه به کلام مشابه شیخ و نجاشی ذیل نام احمد بن حسن بن حسین لؤلؤی گفته‌اند مسمی به حسن بن حسین لؤلؤی دو شخص هستند؛ یکی پدر احمد مذکور و دیگری که معروف است، راوی احمد است، اما صحیح این است که حسن بن حسین لؤلؤی یک نفر است و آن همان شخص معروف و راوی احمد است». آیت الله خوبی در ادامه می‌نویسد: «با اندکی درنگ در کلام شیخ و نجاشی دانسته می‌شود که «لؤلؤی» در ادامه نام احمد، وصف برای احمد است نه پدرش، چون احمد کتابی موسوم به «اللؤلؤ» دارد؛ اما حسن بن حسین لؤلؤی معروف، کتاب نوادر دارد و «لؤلؤی» جزء اسم اوست» (خوبی، ج ۴، ص ۳۰۹).

- شیخ گرچه گاه صریحاً به اختلاف مسماها در عناوین مشترک نپرداخته است؛ اما عناوین مشترک اشخاص را به گونه ای ذکر می کند که خواننده به تغایر آنان پی می برد. مثلاً بعد از ذکر نام جهم بن حکم عمی بصری (ش ۱۵۶، ص ۱۱۵) بلافاصله نام جهم بن حکم مدائنی (ش ۱۵۷، ص ۱۱۶) آمده است. ظاهر کلام شیخ وجود دو مسما برای جهم بن حکم را می رساند. گرچه بعضی یکی بودن و اتحاد این دو نام را احتمال داده اند، آیت الله خوئی این احتمال را نمی پذیرد و خلاف سخن شیخ می داند که ظاهرش بر تعدد مسمای این دو عنوان دلالت دارد (خوئی، ج ۴، ص ۱۸۱).

اما شیخ گاه از تذکر اسامی مشترک میان راویان و مؤلفان متعدد غفلت ورزیده است:

- نام حسن بن راشد دوبار آمده است (ش ۱۹۶ و ۲۰۰، ص ۱۳۵ و ۱۳۷) و شیخ ذیل هر دو عنوان یادآور شده است صاحب کتاب است و سپس طریق خود را بدان ذکر کرده است. حال آن که این نام میان سه نفر مشترک است: ابوعلی حسن بن راشد بغدادی که موثق است (طوسی، الرجال، ص ۳۷۵)، حسن بن راشد طفاوی که ضعیف بوده و کتاب *نوادیر نیکویی* داشته است (نجاشی، ص ۳۸) و حسن بن راشد مولی بنی العباس که در روایت و نقل ضعیف بوده است (ابن غضایری، ص ۴۹). بر اساس نظر آیت الله خوئی شماره ۱۹۶ در فهرست شیخ طوسی، حسن بن راشد طفاوی و شماره ۲۰۰، حسن بن راشد مولی بنی العباس است (خوئی، ج ۴، ص ۳۲۲-۳۲۳).

- فقط از یک محمد بن قیس یاد و برای او کتابی را ذکر کرده است (ش ۶۴۵، ص ۴۲۰)؛ اما مشخص نکرده است که مسمای این نام کیست تا وضع رجالی و طبقه وی معلوم گردد و این در حالی است که محمد بن قیس نامی مشترک میان شش نفر است: ۱- محمد بن قیس، ابو احمد اسدی (ضعیف)، ۲- محمد بن قیس، ابو عبدالله اسدی (ممدوح)، ۳- محمد بن قیس ابو عبدالله بجلی (ثقه)، ۴- محمد بن قیس، ابو قدامه اسدی (مهمل)، ۵- محمد بن قیس، ابونصر اسدی (ثقه)، ۶- محمد بن قیس انصاری

(مهمل)(خویی، ج ۱۷، ص ۱۷۵).

شیخ طوسی از عناوین مذکور، تنها نام محمد بن قیس بجلی را به طور مستقل آورده و ذیل آن مشخص کرده است این شخص کدام یک از شش راوی مزبور است (ش ۵۹۱، ص ۲۰۶)؛ اما ذیل نام مورد اشاره در شماره ۶۴۵ این مهم را انجام نداده است. به نظر می رسد این شخص، محمد بن قیس ابونصر اسدی است (همان).

- نام اسماعیل بن ابان دو بار آمده است (ش ۴۰ و ۴۴، ص ۳۴ و ۳۵)؛ لیکن هیچ مطلبی دال بر وحدت یا تغایر آن دو عنوان نیامده است. به همین دلیل علمای رجال در زمینه وحدت یا تعدد مسمای این دو عنوان اختلاف دارند. هر چند نظر غالب، وجود دو مسما برای نام اسماعیل بن ابان است (خویی، ج ۳، ص ۹۶).

- نام محمد بن شریح که مشترک دو تن است، سه بار آمده است (ش ۶۱۶، ص ۴۰۳، ش ۶۶۷، ص ۴۲۸، ش ۶۷۱، ص ۴۲۹). بنابر نظر آیت الله خویی، شماره های ۶۱۶ و ۶۶۷ به جهت یکی بودن طریق شیخ به آنها، یک نفر هستند و مراد محمد بن شریح حضرمی است، اما شماره سوم، احتمال دارد محمد بن شریح کنندی باشد (همان، ج ۱۶، ص ۱۷۸-۱۷۹).

۲-۳. اسامی مؤتلف و مختلف

مؤتلف و مختلف^۱ به نام‌هایی گویند که آن‌ها را دو گونه می توان خواند، مانند «جریر» و «حریر» و این خود نوعی تصحیف در سند است (مدیرشانه چی، ص ۷۷). به عبارت دیگر، اسامی مؤتلف و مختلف به اسامی مشابهی گفته می شود که اولاً یک مسما دارند و ثانیاً به مرور زمان و در اسناد روایات، به عمد یا از روی غفلت، دستخوش تصحیف و تبدیل شده اند؛ به گونه ای که در سندی نام اصلی و در سند دیگری نام تصحیف شده آمده است.

۱. «هو ما تتفق فی الخط صورته، و تختلف فی المنطق و التلفظ صیغته؛ مثل «حزام/ حرام»، «ابوعبیده/ ابو عبیده»، «برید، برید، یزید»، «أذرعی/ أدذعی»، «حناط/ حنطاط/ خنطاط» (عتر، ص ۱۸۲-۱۸۳).

روش شیخ با توجه به تمام آثار روایی اش در یادکرد این گونه اسامی، ذکر هر دو نام است. عدم تذکر شیخ به یکی بودن آن نام‌ها، این گمان را دامن می‌زند که مسماها به تبع اسم‌ها متعددند. ظاهراً این امر بر خود شیخ مشتبه بوده است، زیرا مثلاً یک خبر را در **تهذیب** از یکی و در **استبصار** از دیگری روایت می‌کند و این امر در اثر مشتبه بودن امر بر شیخ است (جلالی، ص ۳۲۱).

شیخ در **الفهرست** یک بار درباره تصحیف نام ابو حفص عمر یمانی تذکر می‌دهد و می‌گوید: برخی ابو حفص عمر زمانی گویند (ش ۵۱۷، ص ۳۳۰)؛ اما به تصحیف دیگر اسم او توجه نکرده و در عنوانی مستقل نام ابو حفص رمانی را آورده است (ش ۸۸۲ و ۸۹۴، ص ۵۳۹ و ۵۴۳). تصحیف چهارم این نام ابو حفص عمر زبالی است که در **رجال نجاشی** آمده است و شیخ آن را ذکر نکرده است (ص ۲۸۵).

۳-۳. طبقه و عصر نویسندگان

شیخ در **فهرست** صراحتاً طبقه مؤلفان را مشخص نکرده است؛ اما گاه تلویحاً و با قراینی چون: قرار دادن مؤلف در شمار اصحاب ائمه (ع) (ش ۲۸۳، ۱۰، ۵۸۶ و...)، اصحاب مؤلفان معروف (ش ۵۹۶، ۹۳ و...) و ملاقات و روایت از معصومین (ع) (ش ۶۴، ۶۳، ۶۱، ۳۲ و...) بدان اشاره کرده است.

او گاه کلام پیشینیان را در این موضوع به بوته نقد می‌کشاند. مثلاً ذیل نام لوط بن یحیی ازدی، کلام ابو عمرو کشی را که مدعی است او از اصحاب امامان علی، حسن و حسین (ع) است نقد می‌کند و می‌نویسد در واقع پدر لوط بن یحیی از یاران امام علی (ع) بوده است و لوط بن یحیی، امام علی (ع) را ندیده است (ش ۵۸۶، ص ۳۸۱).

مسأله تعیین طبقه مؤلفان در **الفهرست** شیخ چندان بارز نیست و موارد طبقه مشخص نشده مؤلف بسیار بیشتر از موارد عکس است؛ اما با توجه به وجود کتاب **رجال** شیخ که به نوعی کتاب طبقات راویان و **رجال** محسوب می‌شود و اسامی اصحاب و راویان معصومین (ع) به ترتیب زمانی در آن آمده است، عدم ذکر طبقات در

الفهرست طبیعی به نظر می‌آید، چون تکرار مکرر بوده است.

۳-۴. آثار و مؤلفات نویسندگان با عناوین متنوع

آثار نویسندگان با توجه به نوع مطالب، چگونگی نگارش و نگارندگان، عنوان-های مختلف می‌یابد. در *الفهرست* شیخ نیز از آثار مؤلفان با عناوین متعدد و متنوع نام برده شده است:

أ- کتاب: عنوانی است که بر زبان و قلم رجالیان به معنای متعارف آن آمده است و در آن کلام معصوم و غیر معصوم وجود دارد (وحید بهبهانی، ص ۳۲-۳۳). گر چه برخی آن را در مقابل «اصل» می‌دانند اما بنا بر تحقیق محققان هیچ تقابلی میان «کتاب» و «اصل» وجود ندارد و «کتاب» نامی است اعم از «اصل» و «تصنیف» و... (شوشتری، ج ۱، ص ۴۸-۴۹). برخی نمونه‌های آن در *الفهرست* عبارتند از: شماره‌های ۱، ۲، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۲، ۳۲، ۴۱ و ...

ب- اصل: معانی مختلفی برای «اصل» گفته‌اند. از جمله این که عبارت از مجرد کلام و بیانات معصوم (ع) است (وحید بهبهانی، ص ۳۲-۳۳) و در مقابل «تصنیف» قرار دارد (شوشتری، ج ۱، ص ۴۹). نمونه‌هایی از آن عبارت است از شماره‌های ۱۲، ۱۳، ۲۰، ۲۱، ۲۲ و ...

ج- مصنف (تصنیف): به کتاب‌هایی گفته می‌شود که بر خلاف «اصل» بر اساس عناوین و ابواب سامان یافته‌اند (صدر، ص ۵۳۰). این نوع ذیل شماره‌های ۹۰، ۱۴۱، ۱۶۱، ۲۵۲، ۳۷۹، ۴۶۷، ۵۹۹، ۶۴۵ و ... آمده است.

د- مسند: مسانید عموماً به ائمه اهل بیت (ع) نسبت داده می‌شود و به مجموعه‌های حدیثی کم حجم گفته می‌شود که در آن‌ها مجموعه روایاتی که ائمه (ع) از پیامبر (ص) نقل کرده‌اند گرد آوری شده است (طباطبایی، ص ۴۲، ۲۲۹-۲۳۰). در *الفهرست* شیخ از سه مسند یاد شده است: *مسند امیر المؤمنین (ع)* (ش ۸۱۰، ص ۵۰۹)، *مسند الرضا (ع)* (ش ۳۷، ص ۳۳) و *مسند عبدالله بن بکیر بن اعین (ش ۸۶، ص ۶۹)*.

ه- **رسائل:** مجموعه مکاتبات و نامه هایی است که بین ائمه (ع) و یارانشان تبادل می شده و غالباً پیرامون موضوع خاصی بوده است (مامقانی، ج ۱، ص ۲۱۰). نمونه هایی از این موارد ذیل شماره های ۷، ۵۹۲ و ۶۲۷ آمده است.

و- **مسائل:** مجموعه پرسش های شخص از امام (ع) به همراه پاسخ امام (ع) را «مسائل» گویند. نمونه های آن عبارتند از شماره های ۵۹، ۷۸، ۸۳، ۳۱۸، ۳۵۶، ۳۸۹، ۶۱۸، ۶۲۲، ۶۳۲، ۸۲۱ و ...

ز- **مجالس یا امالی:** غالباً به کتاب حدیثی اطلاق می شود که شیخ حدیث در مجالس متعدد آن را املاء نموده باشد، از این رو آن را «امالی» نیز گویند (مدیرشانه چی، ص ۳۰). این عنوان یک بار ذیل شماره ۱۰۲ آمده است.

ح- **نوادیر:** مجموعه ای است که در آن احادیثی که به علت کم شمار بودن تحت باب خاصی قرار نمی گیرد، جمع آوری شده است. برخی نمونه های آن عبارتند از شماره های ۶، ۸، ۱۲، ۳۲، ۶۳ و ...

ط- **جامع:** به کتاب هایی اطلاق می شود که شامل تمام ابواب حدیث است (مدیرشانه چی، ص ۲۷) و در نگارش آن ها از کتاب ها و اصول اولیه حداکثر استفاده شده است و از هر جهت از محتویات آن کتاب ها غنی شده اند (واعظ زاده خراسانی، ش ۳، ص ۵۱). ذیل شماره های ۷، ۶۳، ۱۲۹، ۱۴۱، ۱۶۱، ۲۲۸، ۷۰۹ و ... از برخی کتاب های موسوم به «جامع» یاد شده است.

۳-۵. مناطق جغرافیایی و قبایل

شیخ در مواردی چند به نام بعضی شهرها و روستاها اشاره و گاه موقعیت جغرافیایی آن ها را بیان می کند:

- ذیل عنوان احمد بن هلال عبرتایی به بیان نام و موقعیت جغرافیایی روستا یا شهر «عَبْرُ تاء» می پردازد (ش ۱۰۷، ص ۸۳).

- از آن جا که حمید بن زیاد اهل «نینوی» است، شیخ همجواری «نینوی» با

منطقه «حائر»^۱ را یادآور می شود (ش ۲۳۸، ص ۱۵۵).

- به مناسبت یادکرد نام عبدالله بن محمد بلّوی می گوید: «بلّی» نام قبیله ای در مصر است (ش ۴۴۵، ص ۲۹۶).

- شیخ گاه به بعضی مناطق بغداد اشاره می کند. از جمله: سوق العطش (ص ۲۸۵)، باب الکوفه، صراة الطائی (ص ۳۹۵) و... .

۴- لغزش‌ها

شیخ طوسی در *الفهرست* گاه دچار اشتباه‌هایی شده است. از جمله اشتباه تشخیص درست مذهب، کنیه و نام مؤلفان، اشتباه در انتساب کتاب به مؤلف و اشتباه در تکرار و تصحیف اسامی را می توان نام برد.

علامه محمد تقی شوشتری در سراسر اثر رجالی خود به برخی تسامح‌ها و اشتباه‌های شیخ در *الفهرست* و *رجال* اشاره کرده است. وی دلیل برخی از اشتباه‌های شیخ در *الفهرست* را استفاده فراوان او از *فهرست* ابن ندیم دانسته و در این باره چنین می نویسد: «*الفهرست* ابن ندیم چندان معتبر نیست، زیرا نویسنده آن وراق (نسخه بردار) بوده و صرفاً از کتاب‌ها و نوشته‌هایی که دستخوش تصحیف زیادی بودند، نقل می کرده و نقد و اصلاح محتویات آن‌ها را وظیفه خود نمی دانسته است.» او دلیل دیگر اشتباه‌های شیخ را استفاده از کتاب *رجال* کشی معرفی کرده است (ج ۱، ص ۳۷-۳۹).

آیت الله خویی نیز دلیل برخی اشتباه‌های شیخ را به ویژه درباره تکرار عناوین در *الفهرست* و *الرجال*، غفلت و فراموشی او می داند و می گوید: شیخ به دلیل کثرت اشتغال به تدریس و تألیف اشتباه بسیار، می کرده است (ج ۱، ص ۱۰۶).

۴-۱. مذهب نویسندگان

در یک مورد ابتدا نام عباد عصفری و سپس عباد بن یعقوب رواجنی را ذکر و

۱. حائر نام مکانی است که مرقد امام حسین (ع) در آن جا واقع شده است (ر.ک: یاقوت حموی، ج ۲، ص ۲۰۸-۲۰۹).

شخص اخیر را عامی مذهب معرفی می کند (ش ۵۴۱، ۵۴۲، ص ۳۴۳). در حالی که این دو نام به یک شیعی تعلق دارد و نام عباد بن یعقوب را شخصی معروف به ابوسمینه بر وجه تدلیس جعل کرده است (نجاشی، ص ۲۹۳).

بنابراین شیخ در این جا دچار دو اشتباه شده است: یکی تشخیص ندادن اسامی متعدد برای یک تن و دیگر نسبت عامی مذهب دادن به مؤلف. آیت الله خوئی در این باره می نویسد: «ظاهر سخن شیخ این مطلب را می رساند که عباد بن یعقوب مغایر با عباد عصفری است و مسمای این نام دو نفر هستند، زیرا شیخ این دو نام را در پی یکدیگر ذکر و برای هر یک طریقی جدا بیان کرده است؛ اما از عبارات نجاشی که به نقل از حسین بن عبیدالله غضایری است دانسته می شود که این دو نام، به یک تن تعلق دارند، از این رو سخن نجاشی ناظر به سخن شیخ در *الفهرست* و اعتراضی به آن است. شیخ طوسی در حالی او (عباد بن یعقوب = عباد عصفری) را عامی مذهب دانسته است که گروهی از اهل سنت، وی را رافضی دانسته اند و بعضی از آنان تصریح به «صدوق» بودن او کرده اند.^۱ در هر حال بعید نیست که او شیعه بوده و با تقیه در ظاهر، خود را عامی نشان می داده است و شیخ از مذهب حقیقی و باطنی او اطلاع نداشته است» (خوئی، ج ۹، ص ۲۱۹). در مورد دیگری شیخ، عمار بن موسی ساباطی را فطحی مذهب معرفی کرده (ش ۵۲۷، ص ۳۳۵) و به گمان این که اسحاق بن عمار، فرزند وی است، مذهب اسحاق را نیز فطحی و نسبتش را نیز ساباطی ذکر کرده است (ش ۵۲، ص ۳۹). در حالی که نام صحیح او، اسحاق بن عمار بن حیان صیرفی است که از سرشناسان شیعه به شمار می آید (نجاشی، ص ۷۱).

۲-۴. اسامی مؤلفان

شیخ گاه عناوین نویسندگان را اشتباه ذکر کرده است. مثلاً به جای علی بن

۱. ابن حجر، نامبرده را «صدوق» و «رافضی» و ذهبی او را «شیعی» دانسته است (ابن حجر عسقلانی، ج ۱، ص ۴۶۹؛ ذهبی، ج ۱، ص ۵۳۲).

اسماعیل بن شعیب بن میثم نام علی بن اسماعیل بن میثم تمار (ش ۳۷۴، ص ۲۶۳) و به جای محمد بن عمرو بن سالم جعابی نام عمرو بن محمد بن سالم جعابی را آورده است (ش ۵۰۶، ص ۳۲۵).

بنا بر نظر علامه شوشتری این گونه اشتباه‌ها در عناوین نویسندگان، ناشی از استفاده او از *الفهرست ابن ندیم* است (ج ۱، ص ۳۷) که با مراجعه به *الفهرست ابن ندیم* به درستی سخن شوشتری می‌توان پی برد (ابن ندیم، ص ۲۲۳).

۳-۴. کنیه مؤلفان

شیخ کنیه سالم بن مکرم را ابو خدیجه و کنیه پدرش مکرم را ابو سلمه ذکر کرده است (ش ۳۳۷، ص ۲۲۶)؛ اما نجاشی، ابو سلمه را کنیه دیگر سالم بن مکرم می‌داند (ص ۱۸۸). مؤید نظر نجاشی یکی کلام برقی است که از او به عنوان ابو سلمه بن مکرم نیز یاد کرده است (برقی، ص ۳۲) و دیگری روایت کشی مبنی بر این که کنیه ابو سلمه را امام صادق (ع) به ابو خدیجه داده است (طوسی، *اختیار معرفة الرجال*، ص ۳۵۳).

۴-۴. تکرار و تصحیف عناوین

گاه عناوین راویان و مؤلفان عیناً و گاه نیز با اختلاف اندکی تکرار شده‌اند. همچنین شماری از عناوین مذکور در طرق منتهی به نویسندگان و آثارشان، تصحیف شده‌اند که می‌توان آن را بخشی دیگر از تسامح‌های شیخ دانست. نمونه‌هایی از این دست پیش از این از نظر گذشت.

۴-۵. انتساب کتاب به مؤلف آن

- کتابی به نام *مناسک الحج* را به ابراهیم بن محمد مذاری نسبت می‌دهد و در ادامه می‌نویسد به من گفته‌اند برخی این کتاب را به ابو محمد دعلجی به سبب انس و عمل او به کتاب مزبور نسبت داده‌اند (ش ۱۱، ص ۱۷). ظاهراً حکایتی که شیخ شنیده و نقل کرده است صحیح‌تر به نظر می‌رسد، زیرا نجاشی - که رجالی و فهرست‌نگار ویژه‌گرا است - کتاب مذکور را به عبدالله بن محمد دعلجی نسبت داده و برای ابراهیم

بن محمد مذاری کتاب *المزار* را نام می برد (نجاشی، ص ۱۹؛ ص ۲۳۰).

- کتاب های سی گانه حسین بن سعید اهوازی که با مشارکت برادرش حسن تألیف شده است، بیشتر به نام حسین بن سعید مشهور گشته است (نجاشی، ص ۵۸) و شیخ احتمالاً به سبب اشتها انتساب کتاب ها به حسین، ذیل نام هیچ یک (ش ۲۳۰، ص ۱۴۹ و ش ۱۹۷، ص ۱۳۶) سخنی از مشارکت حسن به میان نیاورده است.

- عبدالملک بن عتبه هاشمی در شمار مؤلفان ذکر شده است (ش ۴۸۷، ص ۳۱۶)؛ اما نجاشی تصریح دارد که نامبرده کتابی نداشته است و کتاب منسوب به او از عبدالملک بن عتبه نخعی صیرفی است (ص ۲۳۹). آیت الله خوئی نیز معتقد است که کلام نجاشی در این باره تعریضی بر سخن شیخ است (ج ۱۱، ص ۲۳).

- کتابی را نیز به یوسف بن عقیل بجلی نسبت داده است (ش ۸۱۱، ص ۵۱۰) که نجاشی نویسنده آن را شخص دیگری می داند (ص ۴۵۲).

۵- نقد آرای پیشینیان و استقلال رأی

شیخ ذیل نام فضل بن شاذان نیشابوری مطلبی را از *الفهرست ابن ندیم* نقل می کند و سپس به نقد و اصلاح آن می پردازد. او می گوید: در *الفهرست ابن ندیم* آمده است که این شخص علاوه بر تألیف کتب بر مشرب شیعه، کتاب هایی نیز بر مشرب اهل سنت دارد. از جمله، کتاب های *التفسیر، القراءات و السنن فی الفقه*. فرزند وی عباس نیز کتاب هایی چند دارد. شیخ به اشتباه ابن ندیم در یکی دانستن فضل بن شاذان رازی با فضل بن شاذان نیشابوری اشاره می کند و یادآور می شود که کتاب هایی که بر مشرب اهل سنت نگاشته شده است از فضل بن شاذان رازی است (ش ۵۶۴، ص ۳۶۱).

در جایی دیگر شیخ ادعای زیدیه مبنی بر زیدی بودن احمد بن صبیح را درست

۱. «الفضل بن شاذان الرازی و ابنه العباس بن فضل. و هو خاصی، عامی. الشیعه تدعیه، و قد استقصیت ذکره عند ذکرهم و الحشویه تدعیه. و له من الکتب التي تعلق بالحشویه، کتاب التفسیر، کتاب القراءات، کتاب السنن فی الفقه، و لابنه العباس بن الفضل من الکتب» (ابن ندیم، ص ۲۸۷).

نمی‌داند(ش ۶۸، ص ۵۶).

همچنین نقد و تصحیح کلام کشی را درباره ملاقات لوط بن یحیی ازدی با امام علی(ع) در مباحث پیشین آوردیم.

۶- بیان طریق و سند خود تا مؤلفان و آثارشان

شیخ در *الفهرست*، سند و طریق خود را به اصول و مصنفات شیعه و صاحبان آن بیان می‌کند و بدین جهت در کتاب *تهذیب و استبصار*، روایات را مرسل و بدون سند ذکر می‌کند. او که بعضی طرق خود را در خاتمه *تهذیب الأحکام* بیان می‌کند، تفصیل طرق صاحبان کتاب‌ها را به *الفهرست* ارجاع می‌دهد(طوسی، *تهذیب الأحکام*، ج ۱۰، ص ۸۶).

در بسیاری از موارد طریق او به اصول و مصنفات، که در *تهذیب آمده*، ضعیف است؛ اما طریق وی در *الفهرست* صحیح است؛ از این رو می‌توان خبری را که به عنوان مثال در *تهذیب* ضعیف سندی دارد بنابر طریق صحیحی که در *الفهرست* دارد، صحیح بدانیم(سبحانی، ص ۶۶).

در ذکر طرق و اسانید کتاب‌ها، شیخ گاه برای کتاب یا کتاب‌های مؤلف یک طریق ذکر می‌کند؛ اما گاه برای یک کتاب، در یک جا طرق مختلفی را بیان می‌دارد. به عنوان مثال برای کتاب‌های اصل ابراهیم بن عثمان خزاز (ش ۱۳، ص ۱۸) و ابراهیم بن عمر یمانی (ش ۲۰، ص ۲۲) دو طریق ذکر می‌کند که گاه این امر در دو جا و با تکرار نام راوی رخ می‌دهد(ش ۱۷۰، ۱۹۸، ص ۱۲۶، ۱۳۶).

گاهی مؤلف دارای چند کتاب است و شیخ برای هر یک از کتاب‌های او طریق جداگانه ای بیان می‌کند. طرق شیخ به کتاب‌های *الملاحم*، *ثواب القرآن*، *الأهلیلجه* از آثار اسماعیل بن مهران بن اَبی نصر سکونی با یکدیگر مختلف است(ش ۴۹، ص ۲۶). شیخ در مواردی طریق خود به مؤلفان و آثارشان را ذکر نمی‌کند. شاید بتوان در

توجیه این عملکرد شیخ در بعضی موارد، محملی یافت. به نظر می‌رسد آن‌جا که از نظر او اثری ساختگی باشد، بدان بهاء نمی‌دهد و سند خود را به آن ذکر نمی‌کند. مثلاً او برای دو اصل «زید زراد» و «زید نرسی» (ش ۳۰۰، ۲۹۹، ص ۲۰۲) و نیز کتاب خالد بن عبدالله بن سدیر (ش ۲۶۹، ص ۱۷۴) بعد از تصریح به مجعول و ساختگی بودنشان، طریق خود به آنها را ذکر نمی‌کند.^۱

مواردی وجود دارد که شیخ بدون هیچ اظهار نظر رجالی درباره مؤلفان و آثارشان طریق خود به آنها و کتاب‌هایشان را نیز ذکر نکرده است و این در حالی است که آنان در سایر منابع رجالی تضعیف شده‌اند. به عنوان نمونه شیخ از یادکرد طریق خود ذیل اسامی بکر بن احمد بن زیاد (ش ۱۲۸، ص ۹۶) و حسین بن حمدان بن خضیب (ش ۲۲۰، ص ۱۴۶) خودداری کرده است که هر دو نفر را ابن غضایری و نجاشی تضعیف کرده‌اند (نجاشی، ص ۱۰۹، ۶۷؛ ابن غضایری، ص ۴۴، ۵۴).

در همین راستا شیخ هنگام بیان طریق خود به بعضی از مؤلفان، بخشی از روایات و مطالب کتاب‌های آنان را به دلایلی چون ضعف مؤلف یا ضعف راویان آثارشان استثنا کرده است. او این استثنا را درباره آثار احمد بن محمد بن سیار (ش ۷۰، ص ۵۷)، محمد بن سنان (ش ۶۲۰، ص ۴۰۶)، محمد بن أورمه (ش ۶۲۱، ص ۴۰۷)، محمد بن احمد بن یحیی (ش ۶۲۳، ص ۴۰۹)، محمد بن علی صیرفی، ابو سمینه (ش ۶۲۵، ص ۴۱۲) و محمد بن حسن بن جمهور (ش ۶۲۷، ص ۴۱۳) انجام داده است.

همیشه این گونه نیست که شیخ طریق یا طرق خود به ضعف و آثارشان را ذکر نکند. او برای کتاب *انا انزلناه فی لیلة القدر* اثر حسن بن عباس بن حریش دو طریق ذکر می‌کند (ش ۱۷۰، ۱۹۸، ص ۱۳۶، ۱۲۶). در حالی که شخص نامبرده نزد علمای

۱. با این وجود، عجیب آن است که شیخ طوسی در آخر، تصریح می‌کند کتاب زیدنرسی را ابن ابی عمیر از او روایت کرده است (ش ۳۰۰) و نجاشی به توسط ابن ابی عمیر از دو طریق خود به کتابهای زیدنرسی و زید زراد یاد کرده است (نجاشی، ص ۱۷۴-۱۷۵، ش ۴۶۰-۴۶۱) و ابن غضایری خود، دو کتاب مزبور را که از ابن ابی عمیر سماع شده بود، دیده بوده است (ابن غضایری، ص ۶۲). بنابراین به نظر می‌رسد نسبت کتابها به زید زراد و زیدنرسی صحیح است (خویی، ۳۷۹/۸، ۳۸۳) و ساختگی نیستند.

رجال به شدت تضعیف و کتاب وی «ردی الحدیث»، «مضطرب الالفاظ» و «موضوع» معرفی شده است (نجاشی، ص ۶۰؛ ابن غضایری، ص ۵۲).

شیخ برای کتابهایی که خود ندیده است طریقی ذکر نمی کند. مثلاً درباره ابراهیم بن سلیمان بن داحه مزنی می گوید: گفته اند کتابهایی دارد؛ اما من کتابهای وی را ندیده‌ام. بعد نیز طریقی^۱ به مؤلف یا آثارش ذکر نمی کند (ش ۳، ص ۱۰).

ذکر نکردن طریق به مؤلفان و آثارشان صرفاً به این موارد ختم نمی شود؛ بلکه چه بسا کتابهایی بوده است که شیخ از وجود و اعتبار آنها مطلع بوده است اما طریقتش به آنها را ذکر نکرده است. از جمله حسین بن شاذویه صفار (ش ۲۱۷، ص ۱۴۵)، محمد بن قبه رازی (ش ۵۹۷، ص ۳۸۹)، و سلامه بن محمد ارزنی (ش ۳۴۷، ص ۲۳۱).

شیخ گاه به ضعف طرق موجود به آثار و مؤلفات می پردازد. او در بیان طریق خود به کتاب التفسیر زیاد بن منذر جارودی که آن را از امام باقر (ع) روایت کرده است، به نام کثیر بن عیاش قطان برمی خورد و همان جا او را تضعیف می کند و بدین گونه در سند کتاب خدشه وارد می سازد (ش ۳۰۳، ص ۲۰۳). نکته قابل ذکر آن است که شیخ پیش از ذکر تفسیر زیاد بن منذر، از اصل او خبر می دهد و طریقتش را به آن یادآور می شود. در سند این اصل نیز کثیر بن عیاش وجود دارد که شیخ تذکر به ضعف او نمی دهد.

۷- عناوین ضمنی^۲

در الفهرست شیخ علاوه بر ۹۱۲ عنوان مستقل، نه عنوان ضمنی وجود دارد که پنج عنوان از آنها ترجمه مستقل دارند و بقیه ترجمه مستقل ندارند:

۱. مقصود طریق دیگران به مؤلف مزبور و کتابهایش است.
 ۲. منظور از عنوان ضمنی، اسامی راویان یا مؤلفانی است که ضمن ترجمه دیگران توثیق یا تضعیف، مدح یا ذم شده اند.

الف- افرادی که ترجمه مستقل دارند و شیخ ضمن ترجمه دیگران نیز آنان را توثیق یا تضعیف کرده است عبارتند از:

۱- ابوالبختری وهب بن وهب، ضمن شرح حال عبدالله بن یحیی (ش. ۴۶۲)، (شماره مستقل ۷۷۹).

۲- ابوالطیب رازی، ضمن شرح حال ابن عبدک (ش. ۹۰۹)، (ش. م. ۱۷۷).

۳- ابومحمد علوی، ضمن شرح حال ابو الطیب رازی (ش. ۷۷)، (ش. م. ۸۰۶).

۴- محمد بن عیسی بن عبید، ضمن شرح حال یونس بن عبد الرحمان (ش. ۸۱۳)، (ش. م. ۶۱۲).

۵- ابومنصور صرام، ضمن شرح حال ابن عبدک (ش. ۹۰۹) و ابو الطیب رازی (ش. ۸۷۷)، (ش. م. ۸۷۶).

ب- افرادی که ترجمه و عنوان مستقل ندارند و فقط ضمن شرح حال دیگران مذکور افتاده اند:

۱- معلی بن سعد، ضمن شرح حال ابراهیم بن معلی بن اسد (ش. ۹۰).

۲- کثیر بن عیاش، ضمن شرح حال زیاد بن منذر (ش. ۳۰۳).

۳- محمد بن مهاجر بن عبید، ضمن شرح حال اسماعیل بن ابی خالد (ش. ۳۰).

۴- محمد بن موسی همدانی، ضمن شرح حال خالد بن عبدالله بن سدیر (ش. ۲۶۹)، زید زراد (ش. ۳۰۰) و سعد بن عبدالله قمی (ش. ۳۱۶).

۸- عناوین مکرر

از ۹۱۲ عنوان فهرست، پنجاه و دو عنوان یک یا چند بار تکرار شده است. البته خواننده **الفهرست** درباره بعضی نام‌های به ظاهر مکرر باید نهایت دقت را به عمل آورد تا امر بر او مشتبه نشود، زیرا گاه یک عنوان، مشترک میان چند نفر است و شیخ به جدا سازی آن‌ها از یکدیگر پرداخته و میانشان مرزی ننهاده است. به عنوان مثال محمد بن

شریح سه بار آمده است (شماره های ۶۱۶، ۶۶۷، ۶۷۱) که بنا بر نظر بیشتر علمای رجال، دو شماره اول محمد بن شریح حضرمی و شماره سوم محمد بن شریح کنندی است (خویی، ج ۱۶، ص ۱۷۸-۱۷۹).

در مواردی هم بر سر وحدت یا تغایر عناوین اختلاف نظر وجود دارد. عنوان ابراهیم بن صالح از این دسته است. این نام دو بار آمده است. یک بار با عنوان مذکور (ش ۲۶، ص ۲۴) و بار دیگر با عنوان ابراهیم بن صالح انماطی (ش ۲، ص ۹). نیز در **فهرست نجاشی**، دو بار و با عناوین ابراهیم بن صالح انماطی اسدی (ش ۳۷، ص ۲۴) و ابراهیم بن صالح انماطی (ش ۱۳، ص ۱۵) آمده است.

علمای رجال با توجه به مطالب شیخ و نجاشی ذیل هریک از این عناوین، حکم به وحدت یا تعدد آنان داده اند. علامه حلی معتقد به وحدت مسماها است، در عین حال احتمال تغایر آن دو را نفی نمی کند (ص ۱۹۸). لیکن مامقانی صاحب **تنقیح المقال** و آیت الله خویی صریحاً به تعدد مسماها رأی می دهند. آیت الله خویی شماره دو در **الفهرست شیخ** و سیزده در **الفهرست نجاشی** را ابراهیم بن صالح انماطی و شماره بیست و شش **الفهرست شیخ** و سی و هفت **الفهرست نجاشی** را ابراهیم بن صالح انماطی اسدی می داند و بر وجود دو مسمای خارجی فراوان تأکید می ورزد. او برای گفته خود دو دلیل ارائه می دهد: یکی این که ابراهیم بن صالح انماطی بنا بر نقل شیخ و نجاشی، کتاب های چندی داشته که همه آنها به جز کتاب **الغیبة** از بین رفته است؛ اما ابراهیم بن صالح انماطی اسدی بنا بر نقل نجاشی فقط یک کتاب داشته است. دیگر آن که یادکرد مذهب واقفی برای ابراهیم بن صالح انماطی اسدی توسط نجاشی و عدم اشاره او به مذهب ابراهیم بن صالح انماطی که نشان از مذهب صحیح مؤلف دارد، دلالت بر تعدد مسماها دارد. بنابراین، نمی توان با استناد به وحدت راویان کتابها^۱ نتیجه گرفت که مسماها نیز واحد بوده اند.

۱. در هر چهار عنوان مذکور در **فهرست شیخ** و **نجاشی**، راوی کتاب آنها «عبیدالله بن احمد بن نهبیک» است.

آیت الله خوینی در ادامه با توجه به مطالب رجال شیخ و رجال برقی، نام ابراهیم بن صالح انماطی را اسمی برای سه مسما می داند که یکی از یاران امام باقر(ع) بوده است و دو نفر دیگر همان‌هایی هستند که راوی کتاب‌شان، عبیدالله بن احمد بن نهیک است(ج ۱، ص ۲۳۶-۲۳۹).

علامه شوشتری نظری بر خلاف نظر فوق دارد. او دلایلی چند از جمله: یکی بودن راویان آنان، توثیق دو عنوان و بیان یک کتاب برای هر یک از آن دو از سوی نجاشی را دلیل بر وحدت عناوین مذکور می داند. او درباره عبارت «روی عن ابی الحسن و وقف» که نجاشی ذیل نام ابراهیم بن صالح انماطی اسدی آورده است، می‌گوید کلام نجاشی درباره «وقف» مجمل است و لزوماً مذهب واقفی را نمی‌رساند و شاید منظور، توقف در روایت از امام رضا(ع) باشد(ج ۱، ص ۱۵۰-۱۵۲). عناوین مکرر در جای جای الفهرست شیخ یافت می‌شود که ذیلاً به موارد ورود آن‌ها در الفهرست اشاره می‌کنیم:

- ۱- آدم بن متوکل(ش ۵۶)، آدم بیاع لؤلؤ(ش ۵۷).
- ۲- حسن بن عیسی(ش ۲۰۳)، ابن ابی عقیل عمانی(ش ۹۱۰).
- ۳- ابواسماعیل فراء(شماره های ۸۸۰ و ۸۹۳).
- ۴- علی بن محمد مدائنی(ش ۴۰۶)، ابوالحسن مدائنی(ش ۹۰۰).
- ۵- داود بن محمد نهیدی(ش ۲۷۹)، ابوالحسن نهیدی(ش ۸۷۰).
- ۶- ابوالصباح مولی آل سام(شماره های ۸۸۹ و ۸۹۶).
- ۷- ابوالحفص رمانی(شماره های ۸۱۲ و ۸۹۴)، عمر یمانی(ش ۵۱۷).
- ۸- داود حمار(ش ۲۸۶)، ابوسلیمان حمار(ش ۸۶۶).
- ۹- شعیب محاملی(ش ۳۵۲)، ابوشعیب محاملی(ش ۸۲۲).
- ۱۰- معلی ابو عثمان احوول(ش ۷۳۳)، ابو عثمان احوول(ش ۸۶۵).
- ۱۱- ابوغسان ذهلی(شماره های ۸۸۵ و ۸۹۸).

- ۱۲- عبدالله بن محمد بن مزخرف (ش ۴۳۹)، ابومحمد حجال (ش ۸۵۶).
- ۱۳- ابوهارون سنجدی (شماره های ۸۸۱ و ۸۹۵).
- ۱۴- سهیل بن زیاد واسطی (ش ۳۴۰)، ابویحیی واسطی (ش ۸۴۸).
- ۱۵- عبدالله بن ایوب بن راشد (ش ۴۵۲)، عبدالله بن ایوب (ش ۴۵۶).
- ۱۶- عبدالله بن یحیی کاهلی (ش ۴۴۲)، عبدالله بن یحیی (ش ۴۶۲).
- ۱۷- علی بن حسان واسطی (ش ۹۴)، یعلی بن حسان واسطی (ش ۸۲۰).
- ۱۸- عمر بن محمد بن سالم (ش ۵۰۶)، محمد بن عمر بن سالم (ش ۶۵۶).^۱
- ۱۹- علی بن شجره (شماره های ۴۰۲ و ۴۱۱).
- ۲۰- عیسی بن عبدالله بن محمد (ش ۵۱۹)، عیسی بن عبدالله هاشمی (ش ۵۲۵).
- ۲۱- فضیل اعور (ش ۵۷۰)، فضیل بن عثمان صیرفی (ش ۵۷۱).^۲
- ۲۲- محمد بن اسماعیل بن بزیع (شماره های ۶۰۶ و ۷۰۶).
- ۲۳- محمد بن اسحاق بن عمار (شماره های ۶۴۶ و ۶۸۲).
- ۲۴- محمد بن حکیم (شماره های ۶۴۸ و ۶۸۱).
- ۲۵- محمد بن ولید خزار (شماره های ۶۳۷ و ۶۹۹).
- ۲۶- محمد بن شریح (حضرمی) (شماره های ۶۱۶ و ۶۶۷).
- ۲۷- محمد بن نعمان احوول (ش ۵۵۹)، ابوجعفر شاه طاق (ش ۸۹۰).
- ۲۸- محمد بن علی همدانی (ش ۶۱۹)، محمد بن علی صیرفی کوفی (ش ۶۲۵)، محمد بن علی مقری (ش ۶۳۶) و محمد بن علی صیرفی (ش ۶۸۶).
- ۲۹- اسماعیل بن محمد بن اسماعیل مخزوم (ش ۳۵)، اسماعیل بن محمد (ش ۴۸).^۳

۱. عنوان صحیح «محمد بن عمر بن سالم» است، چون از طرفی شیخ ذیل شماره ۵۰۶ بدان تذکر می دهد و از طرفی دیگر در فهرست نجاشی، عنوان صحیح آمده است (خویی، ج ۱۳، ص ۵۲).

۲. شیخ ذیل شماره ۵۷۱ نظر خویش مبنی بر یکی بودن این شخص با شماره قبل را بیان می کند.

۳. اسماعیل بن محمد دو بار (شماره های ۴۷ و ۴۸) و اسماعیل بن محمد بن اسماعیل مخزومی یک بار (ش ۳۵) آمده است. بنابر نظر آیت الله خویی، شماره ۴۸ تکرار شماره ۳۵ است و اسماعیل بن محمد در شماره ۴۷ در واقع اسماعیل بن محمد بن اسحاق بن جعفر است (خویی، ج ۳، ص ۱۷۰-۱۷۴).

- ۳۰- اسماعیل بن مهران بن محمد (ش ۳۲)، اسماعیل بن مهران (ش ۴۱).
- ۳۱- حسن عطار (ش ۱۷۳)، حسن بن زیاد (ش ۱۸۹).
- ۳۲- حسن بن عباس حریشی (ش ۱۷۰)، حسن بن عباس حریش (ش ۱۹۸).
- ۳۳- ابوبکر بن شیبیه (ش ۸۲۴)، ابوبکر بن ابی شیبیه (ش ۸۳۹).
- ۳۴- حسن بن ایوب بن ابی عقیله (ش ۱۷۹)، حسن بن ایوب (ش ۱۸۴).
- ۳۵- حسن بن علی بن ابی حمزه (شماره های ۱۷۸ و ۱۸۵).
- ۳۶- حسین بن عثمان (ش ۲۱۲)، حسین أحمسی (ش ۲۱۵)، حسین بن عثمان
رواسی (ش ۲۲۴).
- ۳۷- حسین بن احمد (ش ۲۱۳)، حسین بن احمد منقری (ش ۲۲۵).
- ۳۸- بریه نصرانی (ش ۱۳۴)، بریه عبادی (ش ۱۳۵).
- ۳۹- بسطام بن زیات (ش ۱۳۲)، بسطام بن سابور (ش ۱۳۳).
- ۴۰- یحیی بن عبدالحمید حمانی (ش ۷۹۱)، حمانی (ش ۹۰۷).
- ۴۱- داود بن فرقد (ش ۲۸۴)، داود بن ابی یزید (ش ۲۸۷).
- ۴۲- محمد بن بکر (ش ۶۷۶)، محمد بن بکر ازدی (ش ۶۸۷).^۱
- ۴۳- عبدالله بن ابراهیم انصاری (ش ۴۳۵)، عبدالله بن ابراهیم غفاری (ش ۴۳۶).
- ۴۴- سعد بن سعد اشعری (ش ۳۱۷)، سعد بن احوص اشعری (ش ۳۱۹).
- ۴۵- عبدالله بن قاسم (ش ۴۶۳)، عبدالله بن قاسم حضرمی (ش ۴۶۵).
- ۴۶- معاویه بن شریح (ش ۷۳۹)، معاویه بن میسره (ش ۷۴۳).
- ۴۷- یحیی بن حسن علوی (ش ۸۰۲)، یحیی بن حسن بن جعفر (ش ۸۰۳).
- ۴۸- محمد بن علی طلحی (ش ۶۴۱)، محمد بن علی بن عیسی (ش ۷۰۷).
- ۴۹- محمد بن عمرو زیات (ش ۵۹۴)، محمد بن عمر زیات (ش ۷۰۰).^۲
- ۵۰- محمد بن یحیی خثعمی (شماره های ۱۷ و ۶۴۳).

۱ . بکر بن محمد ازدی نیز آمده است که برخی آن را تصحیف شده «محمد بن بکر ازدی» می دانند؛ اما آیت الله خوئی آن را با محمد بن بکر ازدی متفاوت می داند (ج ۱۵، ص ۱۳۶).

۲ . نام صحیح، محمد بن عمرو زیات است (خوئی، ج ۱۷، ص ۷۷).

- ۵۱- معاویه بن وهب بجلی (ش ۷۳۸)، معاویه بن وهب بن فضال (ش ۷۴۰)، معاویه بن وهب بن جبلة (ش ۷۴۱) و معاویه بن وهب میثمی (ش ۷۴۲).
- ۵۲- محمد بن بندار بن عاصم (شماره های ۶۱۰ و ۶۲۶).^۱

احتمال آن که یک راوی با نام‌های گوناگون در اسناد روایات آمده یا نامی تصحیف شده باشد، شاید یکی از علل تکرار برخی عناوین باشد. البته شیخ در یک مورد به این مطلب توجه می‌دهد و می‌گوید: «فضیل بن عثمان صیرفی» همان «فضیل اعور» است که قبلاً نام او را ذکر کردیم (ش ۵۷۱).

نتیجه

- ۱- شیوه عمومی شیخ در *الفهرست* بدین گونه است که غالباً در معرفی راویان و مؤلفان شیعه به ذکر حداقل اطلاعات درباره نام، کنیه، نسب، مذهب و... بسنده نموده و به کمترین مقدار شناسایی مؤلفان اکتفا کرده است.
- ۲- شیخ طوسی در نگارش *الفهرست*، ضمن معرفی آثار و مؤلفات نویسندگان، اسناد خود را به مؤلفان و مؤلفاتشان ذکر کرده است و حتی گاه اسناد و طرق متعددی را به کتاب‌های مؤلفان آورده است که شاید بتوان گفت طرق و اسناد شیخ طوسی در *الفهرست* کارآمدترین بخش این اثر است.
- ۳- در کتاب *الفهرست* لغزش‌ها و اشتباه‌هایی هم وجود دارد که شاید بتوان آن را ناشی از بی‌دقتی نسخه‌برداران دانست گرچه صاحب‌نظران سبب بروز پاره ای اشتباه‌ها در *الفهرست* را کثرت اشتغال شیخ به شاخه‌های گوناگون علوم، تألیف و تدریس و گاه غفلت ایشان در آن موارد دانسته‌اند.

۱. لازم به ذکر است چنانکه پیش از این گفته شد، میان علمای رجال و حدیث درباره تکرار عناوین فوق اختلاف نظر وجود دارد و برخی هریک از عناوین به ظاهر مکرر در فهرست را مربوط به یک شخص خاص می‌دانند. اما در موارد فوق عمده مرجع ما، *معجم رجال الحدیث* آیت الله خویی و در مواردی نرم افزار «دریایة النور» بوده است.

منابع

- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۷۷۳-۸۵۲ق)؛ *تقریب التهذیب*، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
- ابن غضایری، احمد بن حسین (ق۵)؛ *الرجال*، تحقیق: محمد رضا حسینی جلالی، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۲ق.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق (-۳۸۰ق)؛ *الفهرست*، تحقیق: رضا تجدد حایری مازندرانی، تهران، ۱۳۵۰ش.
- جلالی، مهدی؛ *سیری در کتاب الاخبار الدخیله*، علوم حدیث، ش ۹، صص ۲۸۴-۳۲۲، پاییز ۱۳۷۷ش.
- خویی، ابوالقاسم (۱۲۷۸-۱۳۷۱)؛ *معجم رجال الحدیث شیعه*، قم، مرکز نشر آثار شیعه، ۱۴۱۰ق.
- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد (۶۷۳-۷۴۸ق)؛ *الکاشف فی معرفه من له روایه فی الکتب الستة*، المملكة العربية السعودية، مؤسسة العلوم القرآن، ۱۴۱۳ق.
- سبحانی، جعفر؛ *کلیات علم رجال*، ترجمه: مسلم قلی پور گیلانی، علی اکبر روحی، انتشارات قم، ۱۳۸۰ش.
- شوشتری، محمد تقی (۱۲۸۲-۱۳۷۴)؛ *قاموس الرجال*، تهران، مرکز نشر کتاب، ۱۳۷۹ش.
- صدر عاملی کاظمی، حسن (۱۲۷۲-۱۳۵۴ق)؛ *نهایة الدرایة*، تحقیق: ماجد غرباوی، بی جا، نشرالمشعر، بی تا.
- طباطبایی، سید کاظم؛ *مسند نویسی در تاریخ حدیث*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷ش.
- طوسی، محمد بن حسن (۳۸۵-۴۶۰ق)؛ *تهذیب الاحکام فی شرح المقننه*، تحقیق: حسن الموسوی الخرسانی، تصحیح: محمد آخوندی، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش.

_____؛ *اختیار معرفة الرجال*، تحقیق: سید حسن مصطفوی، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۴۸ش.

_____؛ *الفهرست*، تحقیق: محمد صادق بحر العلوم، نجف، مکتبه المرتضویة، بی تا.

_____؛ *الرجال*، تصحیح: محمد صادق بحر العلوم، نجف، انتشارات حیدریة، ۱۳۸۱ق.

علامه حلی، حسن بن یوسف (۶۴۸-۷۲۶)؛ *رجال*، قم، دار الذخائر، ۱۴۱۱ق.

عتر، نورالدین، *منهج النقد فی علوم الحدیث*، دمشق، ۱۴۱۸ق/۱۹۹۷م.

فتاحی، رحمت الله؛ *فهرست نویسی، اصول و روش ها*، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۷۹ش.

مامقانی، عبدالله (۱۸۷۲-۱۹۳۲)؛ *تنقیح المقال فی احوال الرجال*، نجف، مطبعة مرتضوی، ۱۳۵۲ق.

مدیر شانه چی، کاظم؛ *درایة الحدیث*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸ش.

نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی بن احمد، *رجال النجاشی*، تحقیق: موسی شبیری زنجانی، قم، ۱۴۱۶ق.

واعظزاده خراسانی، محمد؛ «تحقیق درباره کتاب کافی»، *نامه آستان قدس*، آستان قدس رضوی، ش ۳، صص ۴۹-۵۵، بهمن ۱۳۳۹؛ ش ۵، صص ۱۸-۲۳، اردیبهشت ۱۳۴۰.